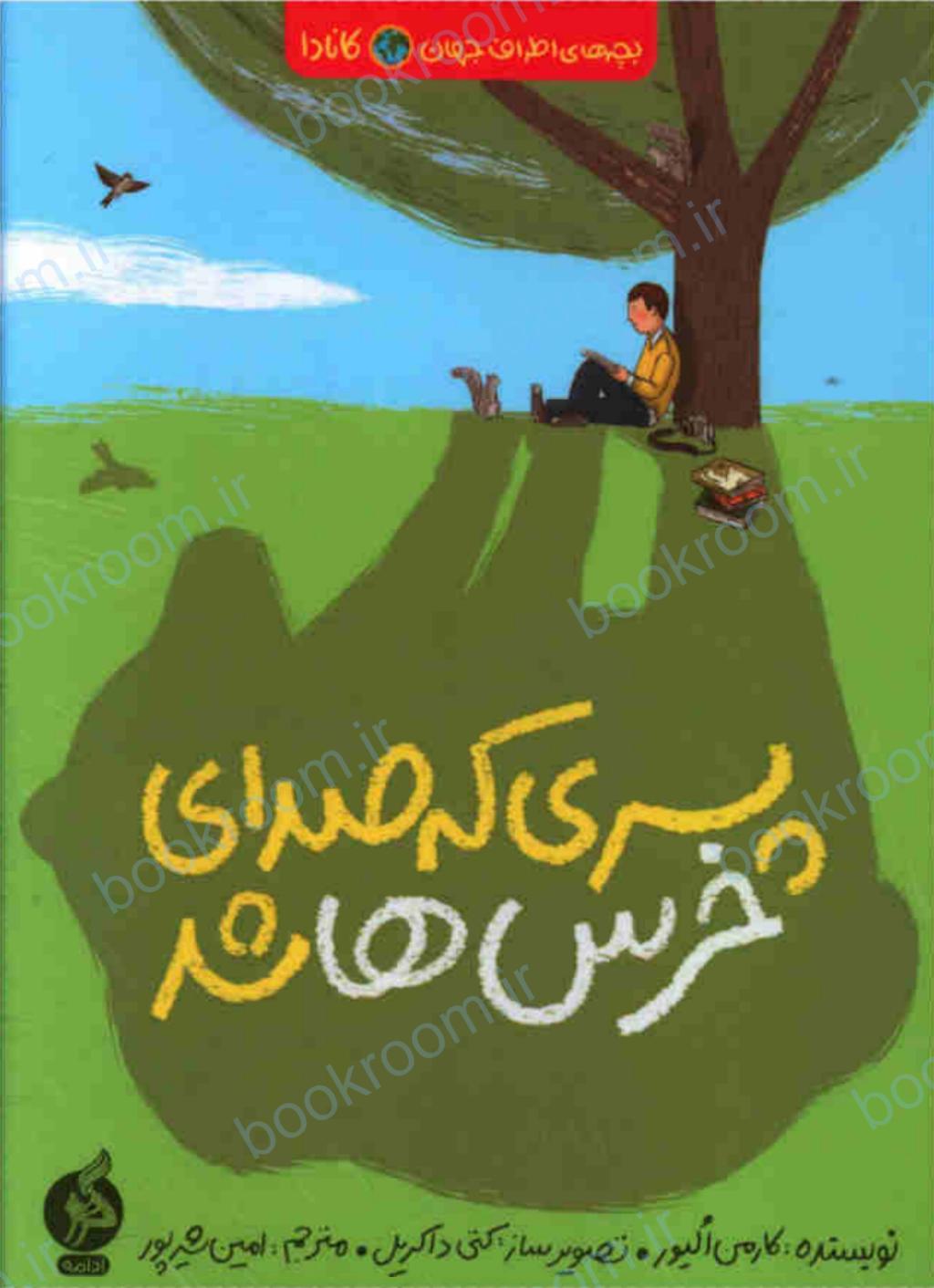


کاترا  پژوهشی اطلاعات جهان

پسری کنم خرس



نویسنده: کارمن آلیوره | تصویرساز: کتی داکریل | مترجم: امین شیرپور



سایمون در پارک ملی یلو استون با تلسکوپ مخصوصی
که در «ایستگاه تماشا» بود، جنگل را نگاه می‌کرد.
 ساعت‌ها گذشت. پاران لیاس‌هایش را خیس آب کرد
 ولی سایمون اصلاً از جایش تکان نخورد.





توی خانه هیچ وقت احساس قوی بودن نمی‌کرد. کلمه‌ها واضح و شفاف توی سرینش
شکل می‌گرفتند اما تا دهانش را ناز می‌کرد. بد تنه‌ییه می‌افتاد و زبانش می‌گرفت.
دکتر با اطمینان خاطر می‌گفت «لکتیش فقط به حاضر اینه که اضطراب داره. نگران
باشین، خوب می‌شه.»

سایمون در زمین بازی راحت بود. بچه‌ها اذیتش می‌کردند. موقع یارکشی درباری با
اصلاً اورا انتخاب نمی‌کردند بلکه آخری بود که انتخاب می‌شد.
اما توی جنگل پشت خانه‌شان حوشحال بود. آنجا راحت با مانعاب‌ها حرف
می‌زد. از طبیعت عکس می‌گرفت و کتاب‌هایش را بازها می‌خواند. مخصوصاً کتاب
مورعلقه‌اش که درباره‌ی یک خرس قهوه‌ای به نام واب بود.

سایمون خیلی دوست داشت با پدر و مادرش اخبار تلویزیون را تماشا کند. یک روز، گزارشی درباره‌ی جنگل در آلاسکا، در شمال کشور کانادا پخش شد که نیاز به محافظت داشت. قرار بود درخت‌های آن جنگل قطع شوند و اگر درخت‌ها را قطع می‌کردند خانه‌ی خرس‌های قهوه‌ای هم نابود می‌شد.

سایمون با خودش فکر کرد «این درست نیست. اون

خرس‌ها به کمک نیاز دارند.»

فردای آن روز یک میز دم خانه‌شان گذاشت و لیموناد

فروخت. وقتی مردم رد می‌شدند، می‌گفت «ککمک کنید خرس‌ها رونجات بدیم.»





CitizenKid.

بچه‌های اطراف جهان کانادا

«بسیاری که صدای خرس‌ها شد» داستان واقعی نوجوانی است که می‌خواهد گونه‌ی نادری از خرس‌ها را نجات دهد ولی برای این کار باید بر مشکل خودش هم غایبه کند.

مجموعه‌ی «بچه‌های اطراف جهان» پنجره‌ی کوچکی است برای دیدن و شنیدن قصه‌های واقعی درباره‌ی بچه‌هایی از کشورهای مختلف که قهرمان شهر یا خانواده‌ی خودشان بوده‌اند. این قصه‌ها می‌توانند الهام بخش بچه‌ها باشد تا بی‌تفاوت نباشند و دنیای اطرافشان را کمی بهتر کنند.



آدامه
و اند کودکان
نویسنده از اطراف

